

مقایسه ارتباط بین فقر با خودپنداره و تاب آوری در دانش آموزان خانواده های فقیر و خانواده های دارای رفاه

اقتصادی

سیده کلثوم قاسمی^۱

۱ - فوق لیسانس مطالعات فرهنگی، آموزش و پرورش ناحیه ۱ ساری، دبیرستان الزهرا

چکیده - پژوهش حاضر در پی بررسی رابطه بین فقر با تاب آوری در دانش آموزان خانواده های فقیر و خانواده های دارای رفاه اقتصادی بوده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه مورد نظر در پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل در آموزش و پرورش ساری در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بوده است که در یک نمونه ۳۴۴ نفری مورد نظرسنجی قرار گرفته اند. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه تاب آوری کونور و دیویدسون (۲۰۰۳)؛ پرسشنامه خودپنداره ساراسوت (۱۹۸۱) SCQ و مقیاس ۷ سوالی فقر (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۴) استفاده شده است. برای آزمون فرضیات از آزمونهای کولموگروف اسمیرنوف، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام بهره برده شده است. نتایج تحقیق نشان داده است همبستگی معناداری بین دو متغیر فقر و تاب آوری به میزان ۰/۱۹۴؛ همبستگی معناداری بین دو متغیر فقر و خودانگاره به میزان ۰/۱۸۱-؛ اما همبستگی معناداری بین دو متغیر خودانگاره و تاب آوری وجود ندارد.

کلیدواژه- فقر ، تاب آوری، خودپنداره ، دانش آموزان.

۱- مقدمه

فقر ممکن است با ایجاد مانع یا تأثیر بر روابط همسالان ، حضور در مدارس با کیفیت پایین یا قرار گرفتن در معرض محیط های غیر حمایتی مدرسه به مشکلات اجتماعی-عاطفی کودکان منجر شود (کیگان، ۲۰۰۱). جدا از تأثیر فقر بر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ، فقر می تواند با مسائل روانی در ارتباط بوده و بر روی آن ها تأثیر گذار باشد. لی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود در مورد تأثیر فقر بر روی سلامت روان کودکان روستایی چین به این نتیجه رسیده اند که فقر اثرات پیش بینی کننده قابل توجهی بر سلامت روان منفی و مثبت کودکان ایجاد می کند.

فقر به طور چشمگیری بر سلامت روان کودکان تأثیر می گذارد و در نتیجه می تواند باعث اضطراب و افسردگی در کودکان شود و از عزت نفس و خودکارآمدی آنها بکاهد. پاتل و کلینمن (۲۰۰۳) خاطر نشان می سازند که ارتباط فقر و اختلالات روانی رایج یک ارتباط جهانی است و صرف نظر از سطح رشد آنها در همه جوامع وجود دارد. بنابراین فقر و میزان درآمد می تواند با مولفه های روانی در ارتباط بوده و بر آنها تأثیر گذاشته یا از آن ها تأثیر پذیرد. بنابراین همواره در دانش آموزان بررسی رابطه بین فقر با تاب آوری، خودپنداره برای ایجاد موفقیت تحصیلی مهم است.

یکی از مولفه های مهم روانی که امروزه مورد توجه واقع شده، تاب آوری است. محققان با تمرکز بر سلامت روان افراد، به طور فزاینده ای به مفهوم تاب آوری علاقه مند شده اند. دانش در زمینه ی تاب آوری

ممکن است به توسعه ی مداخلات با هدف بهبود نتایج مثبت و یا کاهش پیامدهای منفی کمک کند. «تاب آوری می تواند به عنوان یک ساز و کار دفاعی در نظر گرفته شود که افراد را به پایداری در مواجهه با سختی و بهبود سلامت روان، توانا سازد» (مرتضوی، ۱۳۹۴، ۸). تاب آوری به عنوان سازگاری موفقیت آمیز به پاسخ های موثر به چالش های زیست محیطی و مقاومت نهایی در برابر اثرات مخرب استرس متکی است ، بنابراین درک بیشتر از عواملی که چنین اثراتی را ایجاد می کنند از اهمیت بالایی برخوردار است (گانگ وو و همکاران، ۲۰۱۳). «تاب آوری توانایی انسان در انطباق در برابر فاجعه ، آسیب ، مشکلات ، سختی ها و عوامل استرس زای زندگی است» (راس نیومن، ۲۰۰۵، ۲۲۷). عیسی نژاد و حیدریان (۱۳۹۹) معتقدند آموزش تاب آوری می تواند بر ارتقای کیفیت زندگی زنانشویی و تاب آوری خانواده آزادگان تأثیری با ثبات و پایدار داشته باشد. نخستین اثر ارتقای توانمندی های فرد در زمینه ی تاب آوری، کاهش مشکلات روانی و هیجانی، افزایش میزان سلامت روانی و در نتیجه افزایش میزان رضایتمندی فرد از زندگی خواهد بود. (مرتضوی، ۱۳۹۴، ۱۲).

یکی از متغیر هایی که می تواند با فقر در ارتباط باشد خودپنداره است. طبق نظریه شناخت اجتماعی ، خودپنداره تحت تأثیر عوامل محیطی قرار دارد (بندورا ۱۹۹۵). خودانگاره ارزیابی کلی فرد از خودش است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی های ذهنی فرد از ویژگی های خود است که ممکن است مثبت یا منفی باشد. خودپنداره مثبت نشان دهنده این است که فرد خودش را در مقام شخصی با نقاط قوت و ضعف می پذیرد و این امر موجب بالا رفتن اعتماد به نفس او در